

# زیبایی های ادبی

## نثر استاد

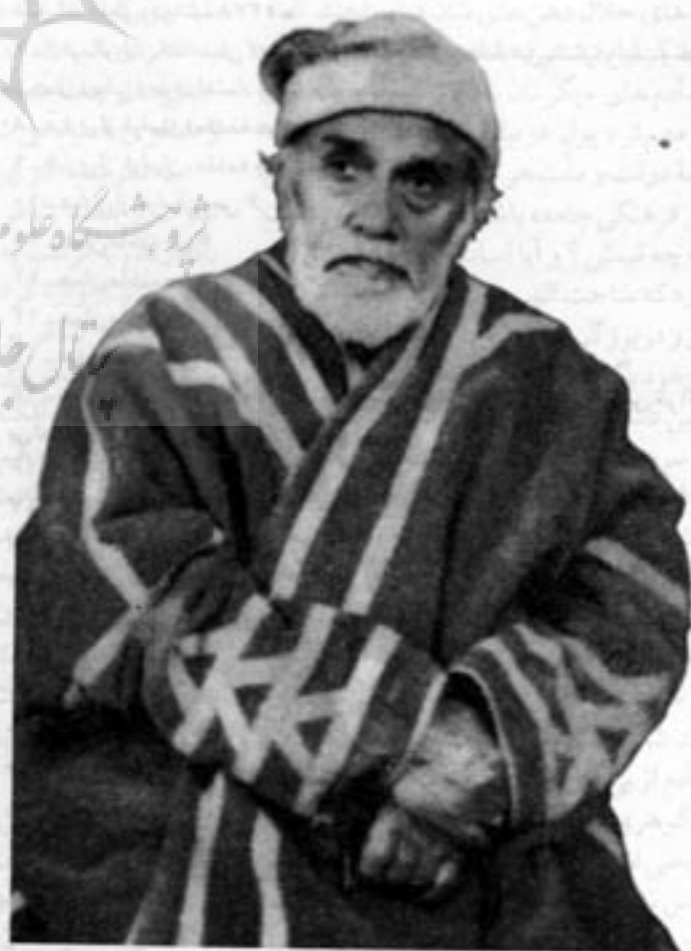
### خلیل الله خلیلی

#### در کتاب

## «عیاری از خراسان»

□ سید محمد باقر کمال الدینی

(عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور یزد)



دریای بیکران زبان و ادب فارسی را حد و مرزی نیست، چه در پهنه هزار و صد سال که از آغاز نگارش نخستین کتاب نثر فارسی موجود به نام «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» می گذرد، در زمینه های گوناگون نثر و نظم، تاریخ و فرهنگ و دیگر رشته های علمی و ادبی، آثار ارزنده و درخور توجهی تألیف و تصنیف یا ترجمه شده است.

گفته اند: نثر در لغت به معنی پراکنده<sup>۱</sup> و پراکنده کردن<sup>۲</sup> و سخن پاشیده<sup>۳</sup> و کلامی که شعر نباشد<sup>۴</sup>، است. یعنی درست در برابر نظم که به معنی دررشته کشیدن است. (لغت نامه دهخدا، ذیل کلمه نثر و نظم). مهمترین دوره و به عبارت دیگر دوره واقعی رواج و پیشرفت نثر فارسی، قرن چهارم هجری (دهم میلادی) است که مصادف بود با حکومت سلسله معروف سامانی بر قسمت بزرگی از نواحی شرقی ایران تا حدود سرزمین ری... این خاندان در تجدید رسوم ایرانی و احیاء استقلال ادبی ایران کوشش بسیار کردند و از راه تشویق مترجمان و نویسندگان به ترجمه و تألیف موجب ایجاد کتاب های سودمندی به نثر پارسی دری شدند.<sup>۵</sup>

نثر پارسی از آن زمان تا امروز تحولات زیادی داشته است. زمانی مصنوع و فنی شده و در دوره ای به صورت متکلف درآمده و سپس باز به سادگی گراییده و نویسندگان به شیوه هزار سال قبل برگشته اند. یکی از ادبای بزرگ این عصر، استاد خلیل الله خلیلی به شمار می رود که هم نظمی به کمال دارد و هم نثری در اوج. من در این مقاله، قصد معرفی این شاعر و نویسنده بزرگ را ندارم. هر چند که اعتراف می کنم که او را چنان که باید نشناختم. لکن با زبانی الکن و انشایی ضعیف به بررسی یکی از آثار مشهور این ادیب بزرگ به نام «عیاری از خراسان»<sup>۶</sup> می پردازم. خلیل الله خلیلی در کتاب «عیاری از خراسان» با نثری بسیار زیبا، اطلاعات مفیدی از حبیب الله کلکانی<sup>۷</sup> به خواننده می دهد. اطلاعاتی از اجداد او، خردسالی و جوانی، چگونگی به حکومت رسیدن و... با نثری بسیار دلنشین که گاه به شیوه مورخان می ماند و گاه همچون نثر منتقدان، خواننده را به ستایش قلم او برمی انگیزد. و در یک کلام «از نظر سبک ادبی و نثر زیبا و عامه فهم و نکته های آموزنده تاریخی اثری است کم نظیر»<sup>۸</sup>.

کتاب هر چند کم حجم است، لکن بسیار پر محتواست و به شیوه ای نوشته شده است که خوانند را مجذوب خود می کند تا پایان کتاب را بخواند و این بزرگترین هنر نویسنده است که او را با بزرگترین داستان نویسان جهان برابر می کند. نکته مهم دیگر این است که کتاب «عیاری از خراسان» آکنده از عشق سوزان به وطن است و حاکی از درد و مصیبت مردم کشوری که سال ها زیر بار استعمار مبارزه کرده اند تا به استقلال برسند. خلاصه کلام این که این کتاب «دایرة المعارفی از جامعه شناسی سیاسی و مذهبی کشور افغانستان است که نویسنده در قالب آن، عوامل نیک بختی و بدبختی مردمش را از گذشته تا امروز مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است»<sup>۹</sup>.

اینک به بررسی ویژگی های لفظی و معنوی و زیبایی های ادبی این اثر می پردازم:

در حوزه معانی، بارزترین ویژگی نثر این کتاب به نظر این جانب، ایجاز است. استاد خلیلی جملات را در کوتاه ترین شکل خود بیان کرده است و چون اکثر جمله ها دارای این ویژگی هستند، از آوردن مثال خودداری می کنم. در حوزه علم بیان، می بینم که هم تشبیه، هم استعاره و هم مجاز و کنایه در جای جای کتاب خودنمایی می کنند. برای نمونه:



از پناه هر سنگ، بارانِ مرگ می بارد (تشبیه) ۱۰

خستگی ناپذیر تا پای جان دفاع می کند (استعاره) ۱۱

استاد حتی به تشبیه نیز کفایت نکرده بلکه هنر تشبیه تفضیل و... را نیز به کار می گیرد، مثلاً:

«برقی که در نگاه آتشین گدای گوشه نشین شعله می زند، تابنده تر از جواهری است که در قبضه شمشیر شهریان می درخشد» ۱۲

صنعت تشخیص توسط استاد خلیلی چنان با ظرافت بکار گرفته می شود که نثر کتاب را نثری حماسی می کند. توجه کنید: «درختان سرو با قامت‌های افراشته و انبوه برگ از دور میان مبارزان پولادپوش به پایستاده و آماده باش می باشند» ۱۳

نویسنده کتاب هر جا که اقتضا کند، از شعر شاعران نیز استفاده می کند که این بر زیبایی نثر او می افزاید. مثلاً «علیحضرتا! بارها می فرمودید: بهشت آن جاست کآزاری نباشد

کسی را با کسی کاری نباشد» ۱۴

همچنین گاه مضامین شعری شاعران را اقتباس می کند: برای نمونه: «خر یا عزیز خاطر شیخ اجل سعدی» ۱۵ و به همین صورت او از امثال استفاده می کند، چنان که: «همین که کشور آرام شد، آب رفته به جوی باز گشت» ۱۶ و این ضرب المثل باستانی در مورد وی صادق آمد که: آوازه خلق نقاره خداست ۱۷

شاید از بزرگترین هنرهای استاد خلیلی در کتاب «عیاری از خراسان» توصیف‌های زیبای ایشان است. توصیف همه چیز، خصوصاً قلعه و دژ، بامداد، بهار، نوروز و... بنگرید به دو نمونه از توصیفات ایشان که نمونه اول در وصف صبح و نمونه دوم در وصف نوروز است:

«صبح است. تابش خورشید بر دیوارهای کاخ دلگشا از رنگ خاکستری آن چیزی نکاسته. درختان بی برگ و بار چون گنجهکاران در کنار خیابان‌ها، خاموش صف کشیده‌اند. برف جایی هست و جایی آب شده» ۱۸

«نسیم صبحگاهی می وزید، شاخه‌های بادام و زردآلو شکوفه بار آورده بود. با خنده خورشید، صدای مستان کبک از سر هر سنگ، گوش دل را نوازش می داد. جست و خیز ماهیان خالدار در امواج نقره قام رودخانه که خال‌های آن چون دانه‌های یاقوت می درخشید، از دور نظر ربایی داشت. آهوان خالدار با شاخ‌های تاب خورده بلند و غزالان مست با شاخ‌های کوچک و هلالی از این تیغه به آن تیغه می جهلیدند» ۱۹

در کتاب، خواننده با سنت‌های محلی و مذهبی نیز آشنا می شود و نویسنده با اشاره به این سنت‌ها، قصد زنده نگه داشتن آداب و رسوم ملت خویش را دارد. برای نمونه می توان دو مورد را ذکر کرد که در مورد اول از بازی‌های محلی صحبت می شود و در مورد دیگر نویسنده از ماه رمضان بحث می کند: «بازی‌های معمول آن وقت عبارت بود از: کشتی، افکندن سنگ، چوب بازی، خیززدن و مسابقه دویدن» ۲۰

«در ماه مبارک رمضان، فرمان خداوند بر آن رفته که مسلمانان پس از دمیدن سیده صبح تا غروب آفتاب بر دهن‌هایشان مهر نهند و لب به خورد و نوش نگشایند» ۲۱

در حوزه بدیع، نویسنده از اکثر صنایع بدیعی اعم از صنایع لفظی و معنوی استفاده می کند و با آوردن آن‌ها، نثر خویش را زیباتر می نماید. خوب است به چند نمونه از آن‌ها توجه کنیم:

۱- سجع: سلسال، سه سال به سیل‌های خروشان پنجه داد. ۲۲

۲- جناس: بر فرش خار و خار دمی بخوابد. ۲۳

آری، آن نشان سازش است، این نمایانگر سوزش. ۲۴

۳- تضاد (طباق): بلکه مرد و زن، خرد و بزرگ، کشاورز و کارگر، باسواد و بی سواد، همه و همه در این هنگامه‌ها هم فرمانده‌اند و هم فرمان‌پذیر. هم سالار سپاهند و هم سرباز، هم شاهدند و هم رعیت. ۲۵

۴- موازنه و ترصیع: زیر هر سنگی، در سینه هر سنگری، در پای هر دیواری، در سایه هر ارغوانی، آرامگاه شهیدان گردید. ۲۶

از ویژگی‌های قابل ذکر دیگر در نثر استاد خلیلی در کتاب «عیاری از خراسان»، این است که نویسنده در جای‌های مختلف اثر خویش به بحث علمی پرداخته و طرز ساختن چیزهای مختلف را به خواننده می آموزد. برای نمونه به طرز ساخت «شیره مهتابی» توجه کنید: «باغداران کوهدامنی در اواخر تیرماه بوته‌های شترخار را در چرخش روی هم می چینند و خوشه‌های انگور را بر آن می نهادند و پاهای خود را شسته، آنرا لگدمال می کردند که آب انگور از لای خارها به چرخش جمع می شد، بعد آن را به دیگ‌های بزرگ روی آتش می نهادند تا جوشیده به قوام می آمد، آن را دوشاب یا شیره می نامیدند. در شب‌های مهتاب دختران خمهای دوشاب را با چوب‌های تراشیده بید چندان بهم می زدند تا خوب سفت و سفید می شد، این بود شیره مهتابی» ۲۸

#### پاورقی‌ها:

- ۱- فرهنگ ناظم‌الاطباء.
- ۲- فرهنگ آندراج.
- ۳- فرهنگ آندراج.
- ۴- فرهنگ نظام.
- ۵- گنجینه سخن (جلد اول)، ذبیح‌الله صفا، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۷۰ (چاپ پنجم)، ص ۶
- ۶- عیاری از خراسان، خلیل‌الله خلیلی، با کوشش و اهتمام جعفر رنجبر، کتابخانه استاد خلیل‌الله خلیلی، دوشنبه ۱۳۷۸ هـ
- ۷- از فرمانروایان افغانستان که خلیلی از او با نام عیار و خادم دین یاد کرده است و خودش از عمال دیوانی و طرف اعتماد و احترام او بوده است.
- ۸- عیاری از خراسان، مقدمه جعفر رنجبر، ص ۳
- ۹- عیاری از خراسان، مقدمه جعفر رنجبر، ص ۳
- ۱۰- عیاری از خراسان، ص ۶
- ۱۱- همان مأخذ، ص ۶
- ۱۲- همان مأخذ، ص ۱۲
- ۱۳- همان مأخذ، ص ۱۱
- ۱۴- عیاری از خراسان، ص ۱۳
- ۱۵- همان مأخذ، ص ۴۲ که از بیت معروف سعدی اقتباس شده است: مسکین خر اگر چه بی تمیز است چون بار همی برد عزیز است
- ۱۶- همان مأخذ، ص ۴۶
- ۱۷- همان مأخذ، ص ۱۰۲
- ۱۸- همان مأخذ، ص ۱۱۶
- ۱۹- عیاری از خراسان، ص ۱۱
- ۲۰- همان مأخذ، ص ۵۸
- ۲۱- همان مأخذ، ص ۲
- ۲۲- همان مأخذ، ص ۱۷
- ۲۳- همان مأخذ، ص ۲۶
- ۲۴- همان مأخذ، ص ۳۲
- ۲۵- عیاری از خراسان، ص ۱۲
- ۲۶- همان مأخذ، ص ۲۰
- ۲۷- همان مأخذ، ص ۳۳
- ۲۸- همان مأخذ، ص ۴۱

